

کارآگاه پیشگو

حل پرونده‌های پیچیده و مرموز در شرلوک هلمز و پرندگان دوزخی

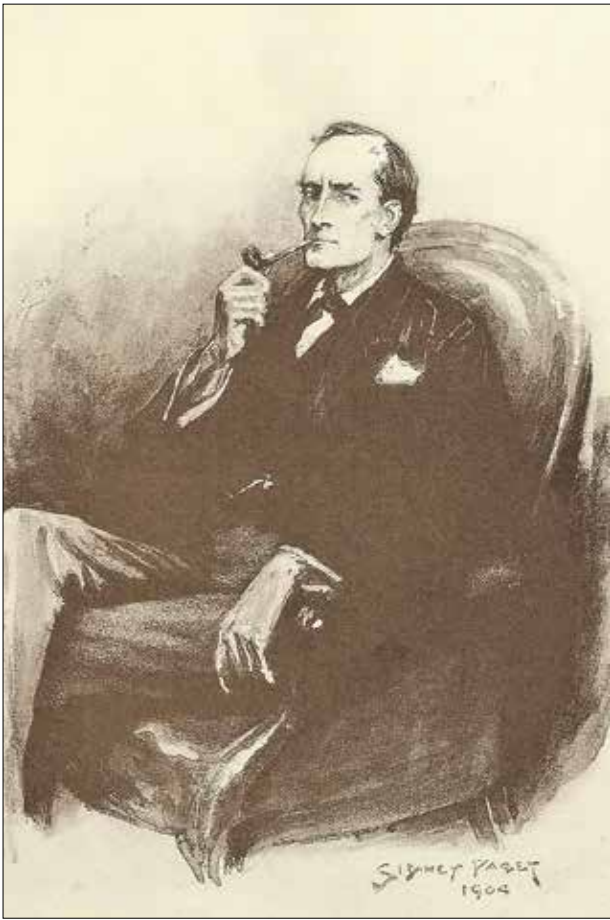
ادبیات جنایی

بهار خسروی

گروه کتاب

شرلوک هلمز، فراتر از یک شخصیت داستانی به نمادی از استدلال منطقی و حل معما در فرهنگ عامه جهان تبدیل شده است. این کارآگاه خصوصی خیالی در خیابان ۲۲۱- ب خیابان بیקר (۲۲۱B Baker Street) لندن زندگی می‌کند و یکی از ماندگارترین مخلوقات ادبیات انگلستان است. این شخصیت داستانی توسط سر آرتور کانن دوپل خلق شد و ایده تنها با مشاهده دقیق رفتار و ظاهر آنها زندگی شگفت‌انگیزی در تشخیص توانایی شگفت‌انگیزی در تشخیص بیماری‌ها و جزئیات زندگی بیمارانش تنها با مشاهده دقیق رفتار و ظاهر آنها داشت. کانن دوپل این توانایی تحلیلی را به شخصیت هلمز تزریق کرد و او را به کارآگاهی تبدیل کرد که می‌تواند با دیدن رد گل روی کفش یا یک لکه جوهر روی سراسن‌تین، گذشته یک فرد را بخواند. هلمز با ذهن سرشار، تمرکز وسواس‌گونه بر جزئیات، دانش گسترده در علوم مختلف -از شیمی گرفته تا تاریخ جنایی- و در عین حال، سردی عاطفی و بی‌اعتنایی به مسائل روزمره، شخصیتی پیچیده و منحصربه‌فرد دارد. او اغلب به عنوان ماشین تحلیلمگر توصیف می‌شود

که تنها زمانی احساسات انسانی از خود نشان می‌دهد که با یک معمای غیرقابل حل مواجه شود. در کنار او، دکتر جان واتسون قرار دارد؛ دوست و همکار وفادارش که راوی داستان‌ها هم هست. واتسون در واقع پل ارتباطی بین دنیای عجیب و غریب هلمز و خواننده محسوب می‌شود؛ او همان کسی است که نگاه منطقی اما انسانی را به پرونده‌های پیچیده اما



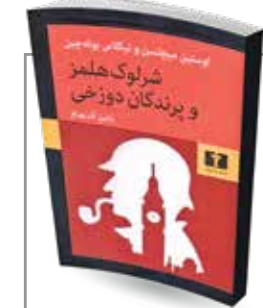
طرح سیدنی پتچ از شرلوک هلمز، سال ۱۹۰۴

هلمز گرهِ می‌زند. «شرلوک هلمز و پرندگان دوزخی»، یکی از داستان‌های غیررسمی شرلوک هلمز است که توسط دو نویسنده بریتانیایی، اوستین میچلسن و نیکلاس یوتچر نوشته شده است. این کتاب با ترجمه رامین آذربهرام در انتشارات نیلوفر منتشر شده و در دسته داستان‌های کارآگاهی کلاسیک قرار می‌گیرد که با الهام از جهان سرآرتور کانن دوپل خلق شده است. نویسندگان این

مواجه می‌شود که نظم جامعه یا امنیت ملی را به خطر می‌اندازد. در این گونه داستان‌ها طرح معما مسأله اصلی نویسنده نیست و او تنها در پی شرح ماجرابی جذاب و نفسگیر است که بتواند خواننده را تا پایان به دنبال خود بکشانند.

«شرلوک هلمز و پرندگان دوزخی» در واقع ادامه داستان «واپسین کرنش او» اثر سرآرتور کانن دوپل است. داستان «واپسین کرنش او»، آخرین ماجرای شرلوک هلمز در واقع روایتی هیجان‌انگیز است که در زمره داستان‌های جاسوسی قرار می‌گیرد. در پایان این داستان، فن برک؛ جاسوس کارکشته آلمانی در دام هلمز می‌افتد و در برج لندن زندانی می‌شود. هلمز تصمیم می‌گیرد از حرفه کارآگاهی کناره‌گیری کند، به اسکس برود و به زنبورداری مشغول شود. او در آخرین جملات این داستان، وقوع جنگ جهانی اول را پیش‌بینی می‌کند و چند ماه بعد جنگ آغاز می‌شود.

«شرلوک هلمز و پرندگان دوزخی» سرگذشت هلمز و دکتر واتسن را درست از چند ماه بعد از آغاز جنگ جهانی اول پی می‌گیرد. بعد از آنکه نادید شدن مرموز پیرمردی روستایی در دهکده «هیونز پورتال» توجه پلیس محلی پورتال، به خود جلب می‌کند، خواهرزاده پیرمرد که دختر جوانی است برای درخواست کمک نزد هلمز می‌آید. دسامبر سال ۱۹۱۴ است و سپاهیان کشورهای متخاصم؛ در جبهه‌ای به



شرلوک هلمز و پرندگان دوزخی

- نویسندگان: **اوستین میچلسن و نیکلاس یوتچر**
- مترجم: **رامین آذربهرام**
- ناشر: **انتشارات نیلوفر**
- تعداد صفحات: **۲۶۲ صفحه**
- قیمت: **۴۲۰۰۰ تومان**

و سعت دریای شمال تا رشته کوه آلپ در برابر یکدیگر صف‌آرایی کرده‌اند. هلمز تصمیم می‌گیرد برای کمک به دختر جوان عازم هیونز پورتال

شود اما در همان زمان خبر می‌رسد که فن برک، جاسوس آلمانی از برج لندن گریخته است. هلمز به درخواست مای کرافت به تعقیب فن برک می‌رود اما بزودی درمی‌یابد که شبکه جاسوسان آلمانی در انگلستان به قدری سازمان یافته است که مقابله

با آنان کار ساده‌ای نیست. تعقیب جاسوسان، هلمز را ابتدا به خط مقدم نبرد در جبهه فرانسه و بعد به اردوگاه قیصر ویلهلم دوم؛ امپراطور آلمان می‌کشاند و او در آنجا درگیر ماجرای عجیب و خطرناک می‌شود که او را در برابر مأموران بی‌رحم پلیس مخفی آلمان قرار می‌دهد. فرار شگفت‌انگیز هلمز از اردوگاه قیصر و کشف توطئه جاسوسان آلمانی در لندن، داستان را به نقطه اوجی نفسگیر می‌رساند و خوانندگان را در هنجانی شریک می‌کند که در میان داستان‌های مشابه کم‌نظیر است.

خواندن یک پرونده جنایی

نویسندگان تلاش کرده‌اند لحن، بیان و قلم کانن دوپل را تقلید کنند تا خواننده احساس کند در حال خواندن یکی از پرونده‌های اصلی او است. پرونده‌ای که هلمز با آن روبرو می‌شود، وجهی شوم و ماورایی دارد و باید با تکیه بر مند علمی خود، لایه‌های ماوراءالطبیعه را کنار بزند تا به حقیقت واقعی پشت پرده دست پیدا کند. ترجمه داستان‌های معمایی که دیالوگ‌محور هستند و نیاز به حفظ لحن رسمی و در عین حال هوشمندانه شخصیت‌ها بویژه هلمز دارند، کار آسانی نیست. مترجم در این اثر تلاش کرده تا زبانی متناسب با داستان‌های کارآگاهی کلاسیک را برای مخاطب انتخاب کند. دایره واژگان استفاده شده، تا حد زیادی متناسب با حال‌وهوای داستان‌های متعلق به قرن نوزدهم و اوایل قرن

شهرت با شرلوک

نوشتند و در سال ۱۹۷۶ کتاب «شرلوک هلمز و پرندگان دوزخی» از آن دو به چاپ رسید. هر دو کتاب با موفقیت مواجه شدند و نامه نویسندگان را بیش از پیش بر سر زبان‌ها انداختند. رامین آذربهرام مترجم کتاب «شرلوک هلمز و پرندگان دوزخی» پزشک است. او از سال ۱۳۸۳ تا سال ۱۴۰۳ در کنار طبابت، بیش از ۲۵ جلد کتاب در حوزه‌های ادبیات داستانی به‌خصوص آثار پلیسی و معمایی را به زبان فارسی ترجمه کرده است. از آثار چاپ‌شده او می‌توان به «دیوانه‌ای در شهر»، «سایه‌بازی»، «ماجراهای جدید شرلوک هلمز»، «شاهکارهای شرلوک هلمز»، «تا وقتی مرگ شما را از هم جدا کند»، «ماجرای بازنده خوش شانس»، «شرلوک هلمز در محلول هفت درصدی»، «رقبای شرلوک هلمز»، «پرونده پرتیز» و … اشاره کرد.

خالقان «شرلوک هلمز و پرنده‌های دوزخی» (اوستین میچلسن و نیکولاس یوتچر) هر دو از بااستعدادترین نویسندگان آثار پلیسی و جاسوسی در انگلستان هستند. اوستین میچلسن متولد سال ۱۹۴۵ کتاب‌های جالب و پرفروش «هلمز و هادسن»، «شرلوک هلمز و ماشین زمین لرزه» و «زندگینامه غیر رسمی شرلوک هلمز» را نوشته و از شهرتی به سزا برخوردار است.

یوتچر چین (۲۰۲۲-۱۹۵۲) نیز با آنکه سال‌ها با رادیو بی‌بی‌سی همکاری داشته، چند کتاب درباره شرلوک هلمز نگاشته است. یوتچر چین با بازیل راتون (۱۸۳۲-۱۹۶۷)، یکی از بااستعدادترین هنرپیشگانی که نقش شرلوک هلمز را در تئاتر و سینمای ایفا کردند، نسبت خانوادگی داشت. میچلسن و یوتچر چین در سال ۱۹۷۵ با هم کتاب «شرلوک هلمز و ماشین زمین لرزه» را

جنایت بی‌دقت

سفری به دنیای پرتعلیق ناگفته‌ها در جنایت و کریستال نوشته الیزابت فرآرز



جنایت و کریستال

- نویسنده: **الیزابت فرآرز**
- مترجم: **سعید الیاسی**
- برونجی
- انتشارات: **نیلوفر**
- تعداد صفحات: **۲۲۸ صفحه**
- قیمت: **۳۵۰۰۰ تومان**

در تاریک‌ترین زوایای ذهن انسان و در کوچه‌پس‌کوچه‌های آن، همیشه رازی برای پنهان کردن و معمایی برای کشف کردن وجود دارد؛ شاید همین پیچیدگی‌ها و رازهای مگو باشد که بیشتر خوانندگان را به سمت داستان‌های معمایی جذب می‌کند. این گونه داستان‌ها فقط روایتگر قتل، یک جنایت یا حادثه‌ای مرموز و غیرمنظره نیستند، آنها به اعماق روان انسان می‌نشینند؛ جایی که حقیقت، همیشه آن چیزی نیست که در نگاه اول به نظر می‌رسد. خواندن یک داستان معمایی ترکیبی شگفت‌انگیز از ترس، کنجکاوی و هیجان را برای مخاطب به دنبال دارد؛ آن هم در حالی که در امنیت کامل روی مبل خانه‌اش نشسته است و شاید یک فنجان چای هم در دست داشته باشد و جرعه جرعه بنوشد. در داستان‌های معمایی، هر نشانه می‌تواند سرخی مهم باشد و هر شخصیت، چهره‌ای پنهان در پس ظاهر خود داشته باشد، همین تعلیق، تردید و تلاش برای کنار هم گذاشتن سرنخ‌ها و رسیدن به حقیقت است که خواندن این آثار را لذت‌بخش می‌کند. در این ژانر، خواننده فقط یک تماشاگر منقطع و ساکن باقی نمی‌ماند و همگام با پلیس و کارآگاهان قدم برمی‌دارد، در طول داستان با آنها پیش می‌رود، قطعات پراکنده یک پازل را کنار هم می‌چیند و در جست‌وجوی حقیقتی می‌گردد که در پس دورنگی‌ها و فریب‌ها، دائم از چنگالش می‌گریزد. این داستان‌ها مخاطب را به مرزهای تاریک اخلاقی نزدیک می‌کنند تا نشان دهند فاصله تبدیل شدن به یک هیولای بی‌رحم، گاهی فقط به اندازه یک تصمیم اشتباه و رفتن به سمت بیراهه است. هیجان نزدیک شدن به قاتل، حل معما، پیچش‌های داستانی و لذت‌کشف حقیقت در صفحات پایانی، تجربه‌ای است که در این ژانر با مخاطب همراه می‌شود. داستان «جنایت

و کریستال» ورودی است به دنیای ناگفته‌ها و اسراری که هنوز رو نشده‌اند؛ دنیایی پر از تعلیق و دلهره که در آن هیچ‌کس بی‌گناه نیست، مگر آنکه خلأکش ثابت شود. این کتاب نوشته الیزابت فرآرز و ترجمه سعید الیاسی بروجنی در انتشارات نیلوفر به چاپ رسیده است و از جمله آثاری محسوب می‌شود که با نگاهی روانی و تحلیلی، مخاطب را وارد فضای رازآلود و معمایی داستان می‌کند و بر کشف لایه‌های پنهان ماجرا تمرکز دارد.

داستان درباره یک استاد بازنشسته گیاه‌شناسی به نام اندرو باسنت است که برای رسیدن به آرامش تبدیل شدن به یک هیولای بی‌رحم، گاهی فقط به اندازه یک تصمیم اشتباه و رفتن به سمت بیراهه است. هیجان نزدیک شدن به قاتل، حل معما، پیچش‌های داستانی و لذت‌کشف حقیقت در صفحات پایانی، تجربه‌ای است که در این ژانر با مخاطب رقم می‌خورد دیگر همه چیز از حالت

آرامش خارج می‌شود. در این میان، گذشته‌ای قرار دارد که پس از سال‌ها هنوز هم بر آینده شخصیت‌ها سایه انداخته است؛ از جمله زن مرموزی که همچنان پایش در یک پرونده قتل قدیمی باز است. همین گذشته مهم باعث می‌شود هر شخصیتی در این داستان چیزی را پنهان کند و هر سرنخ، بیشتر از آنکه روشن‌کننده ماجرا باشد، پیچیدگی داستان را بیشتر کند. رمان به تدریج و پله پله از دل گفت‌وگوهای متناقض و اطلاعاتی که شخصیت‌ها سعی در پنهان ماندنش دارند، پیش می‌رود. در نهایت، کتاب یک معمای جنایی کلاسیک را ارائه می‌دهد، آن هم با قتل‌هایی مرموز که در پس آن نه فقط یک مجرم، بلکه افرادی با کوله‌باری از ترس‌ها، دروغ‌ها و روابط ناپیدا در آن دست دارند.



کتاب «جنایت و کریستال»

ورودی است به دنیای ناگفته‌ها و اسراری که هنوز در پس آن هیچ‌کس بی‌گناه نیست، مگر آنکه خلأکش ثابت شود. این آثار با نگاهی روانی و تحلیلی، مخاطب را وارد فضای رازآلود و معمایی داستان می‌کند و بر کشف لایه‌های پنهان ماجرا تمرکز دارد.

دنیایی پر از تعلیق

و دلهره که در آن هیچ‌کس بی‌گناه نیست، مگر آنکه خلأکش ثابت شود. این آثار با نگاهی روانی و تحلیلی، مخاطب را وارد فضای رازآلود و معمایی داستان می‌کند و بر کشف لایه‌های پنهان ماجرا تمرکز دارد.

بهره می‌گیرد. الیزابت فرآرز استاد طرح‌ریزی معماهای پیچیده است و در این کتاب مخاطب با آشفته‌گی روبرو نمی‌شود و قطعات پازل بسیار

منظم کنار هم چیده شده‌اند؛ هیچ شگفتی آچنانی یا شعبده‌بازی در کار نیست که قاتل ناشناس ناگهان در صفحه آخر کتاب خود را نشان دهد،

به سبک آگاتا کریستی

اصلی است. او سنت داستان‌های معمایی را با ظرافتی روان‌شناسانه درهم می‌آمیزد و همچون آگاتا کریستی از خشونت افراطی پرهیز می‌کند و بیشتر بر شخصیت‌پردازی و انگیزه‌ها تمرکز دارد. می‌توان او را یک رئالیست روان‌شناس نامید که با ظرافت، با وقار و مدرن است و تمام جنایاتی که مضمون داستان‌هایش هستند، به زعم او ریشه در نقایض و ضعف‌های انسانی و تنش‌های خانوادگی دارند. آثار پرشمار فرآرز تا حد زیادی مرهون نظم و انضباط قابل توجه و پشتکار نویسنده و آشفته‌گی کم‌تری است. اسکات مؤید همین ادعاست. او طرح داستان‌هایش را قبل از تایپ، با جزئیات در دفترچه‌ای و طبق گفته خودش، از پایان به ابتدای داستان می‌نوشت و شخصیت‌ها و موقعیت‌ها را براساس افرادی که می‌شناخت و آنچه در زندگی واقعی تجربه کرده بود، بنا می‌کرد. سال ۱۹۵۸ پل بوگارت فیلمی براساس یکی از رمان‌های او نوشت. شخصیت اصلی پنج رمان اول او روزنامه‌نگاری به نام توبی دایک است. تکرارشونده نیز نوشته است. شخصیت اصلی پنج رمان اول او روزنامه‌نگاری به نام توبی دایک است. سپس ۸ رمان با محور زوجی به نام‌های ویرجینیا و فلیکس منتشر کرده و نهایتاً یک استاد بازنشسته گیاه‌شناسی به نام اندرو بستن در نقش کارآگاهی آمتور در تعدادی دیگر از داستان‌هایش نقش آفرین است.

بیستم است که به انتقال حس و حال اصلی داستان کمک می‌کند.

داستان در فضای کلاسیک لندن اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم اتفاق می‌افتد. نویسندگان تلاش کرده‌اند تا با ایجاد تعلیق‌های مرحله به مرحله، خواننده را با خود همراه کنند و تا پایان کتاب او را درگیر داستان و شخصیت‌هایش نگه دارند. بزرگ‌ترین نقطه قوت این اثر، شناخت عمیق نویسندگان از فضای آثار اصلی است. جزئیات زندگی در لندن، توصیف خیابان‌ها، کالسکه‌ها، وضعیت جوی و حتی جزئیات زندگی در خیابان بیקר به خوبی آورده شده است. خواننده به راحتی در همان دنیایی غرق می‌شود که پیش از این با داستان‌های اصلی شناخته است. شخصیت هلمز در این کتاب همچنان همان انسان منطقی، گاهی سرد و وسواسی است. دیالوگ‌های او و تقابلیش با دکتر واتسون به خوبی شکل گرفته است، این موضوع باعث می‌شود مخاطب احساس نکند که با شخصیت‌های غریبه و ناشناختن طرف است. اگرچه هلمز و واتسون به‌خوبی بازسازی شده‌اند، اما در آثار اصلی دوپل، خواننده شاهد رشد یا لحظات عمیق انسانی خاصی از هلمز است، در حالی که در این کتاب، هلمز بیشتر در خدمت حل کردن معما می‌شود تا شخصیت‌پردازی عمیق.

در برخی بخش‌های میانی کتاب برای ایجاد فضای ویکتوریایی و بالا رفتن حجم کتاب، بیش از حد روی توصیفات محیطی یا دیالوگ‌های کم‌اهمیت بین هلمز و واتسون تمرکز شده است، این بخش‌ها اگرچه به فضاسازی کمک می‌کنند و روابط میان این دو شخصیت را به خوبی به تصویر می‌کشند، اما ممکن است برای خواننده‌ای که فقط به دنبال حل معما است، خسته‌کننده باشد و باعث افت ریتم داستان شود. گاهی هم نویسندگان، هلمز را بیش از حد قهرمان و ماشین‌گونه توصیف می‌کنند و این بخش‌ها شاید باورپذیری شخصیت را برای مخاطب کم‌رنگ کند. در این کتاب، تعادل تا حد زیادی برقرار است، اما طرفداران سرسخت دوپل ممکن است احساس کنند که هلمز این کتاب، کمی مدرن‌تر از هولمز اصلی فکر می‌کند. ریتم داستان نیز در مقایسه با داستان‌های کوتاه دوپل، کمی کندتر یا کندتر از پیش می‌رود.

ماجراجویی هستند، لذت‌بخش خواهد بود. برخلاف بسیاری از رمان‌های جنایی مدرن که مملو از صحنه‌های خشن و اکشن هستند، نویسنده روی انگیزه‌های انسانی، روابط سرد یا پرتنش خانوادگی و روانشناسی جنایتکار تمرکز می‌کند، این باعث می‌شود فضای کتاب کلاسیک باقی بماند. تنش‌ها نه از طریق جنگ و نبرد یا خشونت، بلکه از طریق دیالوگ‌های میان شخصیت‌ها، نیش و کنایه‌ها و تغییرات رفتاری آنها بروز پیدا می‌کند. شخصیت‌ها گاهی چنان سرد و خویشتندار می‌شوند که ممکن است خواننده نتواند با آنها همذات‌پنداری عمیقی را تجربه کند. مخاطب درگیر معما می‌شود، اما شاید نتواند با شخصیت‌های داستان پیوند عاطفی داشته باشد.

برخلاف بسیاری از داستان‌های جنایی که در جنایت مبالغه دارند و آن را به یک رخداد بزرگ تبدیل می‌کنند، فرآرز جنایت را به عنوان یک اشتباه انسانی یا نتیجه یک مجموعه رفتار نادرست ترسیم می‌کند، این باعث می‌شود فضای کتاب خیلی ملموس و قابل‌باور شود و حتی خواننده بتواند مجرم را کمی درک کند. او به شخصیت‌هایش این حق را می‌دهد که جایزالخطا باشند. در این کتاب، بخش زیادی از داستان به دیالوگ‌ها و تحلیل‌های ذهنی اختصاص دارد، برای همین روند پیشرفت داستان ممکن است برای برخی خوانندگان کمی گند به نظر برسد و گاهی حس کند در حال خواندن یک پرونده پزشکی پیچیده هستند تا یک رمان پرشور و احساسی. گاهی اوقات نویسنده چنان روی جزئیات رفتاری و ناقضات گفتاری تأکید می‌کند که ممکن است رشته کار از دست خواننده در برود و در نیمه دوم کتاب کمی سردرگمی و آشفته‌گی برایش به دنبال داشته باشد. مناسبات اجتماعی، آداب معاشرت و حتی نحوه‌ای که شخصیت‌ها با هم تعامل می‌کنند با دنیای دیجیتال و مدرن امروز فاصله دارد و این ماجرا در دوره‌ای خاص روایت شده است، برخی از خوانندگان این را یک نوستالژی جذاب می‌دانند و برخی دیگر هم آن را کمی دور از واقعیت‌های زندگی امروزی تلقی می‌کنند.